

کتاب مقدس و مثل های پارسی

دکتر بزرگمهر وزیری

ایرانیان یکی از باستانی ترین ملت هائی هستند که با یهودیان ارتباط داشته اند و در درازنای تاریخ ، این ارتباط همیشه پایدار و استوار بوده است . اگرچه گهگاه در برخی زمان ها کسانی کوشیده اند که این رابطه عاطفی و دوستی را برهم بزنند ولی در مجموع این پیوند استوار و ژرف بوده است .

جالب توجه است که یهودیان در دوران تاریخ باستان خود همیشه بر ضد قدرت های حاکم بر خود چون مصر و آشور و رم قیام کرده اند ولی ایران تنها قدرتی بوده است که یهودیان نه تنها بر ضد آن شورش نکرده اند بلکه همواره ، از آن پشتیبانی کرده اند . ارزش های معنوی و باورهای هر دو ملت بسیار به هم نزدیک بوده است . بازتاب این هم آهنگی را در شباهت های بسیارمیان مثل های کتاب مقدس و مثل های پارسی میتوان دید آنچه در زیر آمده ، مشتق است نمونه خروار

جهالت بر مکان های بلند افراشته می شود و دولتمندان در مکان اسفل می نشینند.

(جامعه ۶:۱۰)

فلک به مردم نادان دهد زمام مُراد تو اهل دانش و فضلی ، همین گناهت بس (حافظ)

نان خود را به روی آنها بیانداز ، زیرا که بعد از روزهای بسیار آن را خواهی یافت.

(جامعه ۱:۱)

تو نیکی میکنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز (سعدی)

آن که چاه می کند در آن می افتد و آن که دیوار را می شکافد ، مار وی را می گزد.

(جامعه ۱۰:۱)

چاه نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی (مثل پارسی)

اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می شود ، عاقبتش مبارک نخواهد بود. (امثال ۲۰:۲۱)

باد آورده را باد می برد. (مثل پارسی)

ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است ، پس مخاصمه را ترک کن قبل از آن که به مجادله

برسد. (امثال ۱۷:۱۴)

سر چشمه شاید که بستن به پیل چو پر شد ، نشاید گذشتن به پیل (سعدی)

با مرد تندخو معاشرت مکن ، و با شخص کج خلق همراه مباش ، مبادا راه های او را آموخته شوی و جان خود را در دام گرفتار سازی. (جامعه ۲۲:۲۴ و ۲۵)

با بدان کم نشین که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند
آفتاب بدان بزرگی را پاره ابر ناپدید کند
(سعدی)

بیاموزمت کیمیای سعادت ز هم صحبت بد ، جدائی جدائی
(حافظ)

آیا مردی را که در شغل خویش ماهر باشد می بینی؟ او در حضور پادشاهان خواهد ایستاد، پیش پست فطرتان نخواهد ایستاد. (امثال فصل ۲۲ آیه ۲۹)

هنرمند هر جا رود قدر بیند و بر صدر نشیند. (سعدی)

از نبودن هیزم آتش خاموش می شود و از نبودن نمام (سخن چین) تمام منازعه ساکت میگردد. زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش است و مرد فتنه انگیز به جهت

برانگیختن نزاع. (جامعه ۲۶:۲۰ و ۲۱)

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم است (سعدی)

ساق های شخص لنگ بی تمکین است و مثلی که از دهان احمق بر آید همچنان است.

(جامعه ۲۶:۶)

پای استدلالیان چوبین بُود پای چوبین سخت بی تمکین بُود (مولوی)

دل حکیمان در خانه ماتم است و دل احمقان در خانه شادمانی (جامعه ۴:۶)

اگر غم را چو آتش دود بودی جهان تاریک ماندی جاودانه
در این عالم سراسر گر بگردی خردمندی نیابی شادمانه
(شهید بلخی)

مگس های مرده روغن عطار را متعفن و فاسد می سازد. (جامعه ۱: ۱۰)

اگر برکه ای پرکنند از گلاب سگی در وی افتد ، شود منجلاب (سعدی)